



گفت‌وگوی روزنامه
صبا با «میکائیل
ضیائی فرد»،
بازیگر نمایش
«پشت‌صحنه»

امیدی به اصلاح تئاتر ندارم

همکاری با او چه در پروسه تمرین و چه در زمان اجرا لذتبخش است.

○ برای رسیدن به نقش‌تان، با چه دغدغه‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو بودید؟

سر تا پای شخصیت «بهرام»، برای من چالش بود؛ از نحوه حرف‌زدن، رفتار، برخورد، انرژی، بیان، اخلاق و غیره. من باید همه این فاکتورها را از چیزی که بودم تغییر می‌دادم و به چیز دیگری که برای بهرام است، تبدیل می‌کردم. اکثر کسانی که من را از نزدیک می‌شناسند، وقتی این نمایش را دیدند، گفتند: «وای! میکائیل چرا این‌جوری شده بودی؟!». با قاطعیت می‌توانم بگویم این نقش پرچالش‌ترین نقشی بود که بازی کردم، چون صفر تا صد من را از خود واقعی‌ام جدا کرد.

○ چه قدر با مضمون و پیامی که نمایش «پشت‌صحنه» به مخاطب ارائه می‌کند، موافقت می‌کنید؟

بسیار موافقم. این نمایش می‌گوید اگر در این حرفه فعالیت می‌کنید و مثل آدم‌های این نمایش بخواهید به مسیر ادامه بدهید، در انتها، نرسیدن و عدم موفقیت است. من هم به عنوان بازیگر تئاتر بارها و بارها با آدم‌های اشتباهی از جنس آدم‌های نمایش «پشت‌صحنه» مواجه شدم. مثلاً مورد داشتیم که گفتیم فلان روز فلان ساعت در پلاتو تمرین داریم، طرف گفته «نه، من وقت آرایشگاه دارم»، یا «نه، من باید برم مهمونی»، یا «نه، من مسافرتم»! این نشان می‌دهد چنین افرادی دغدغه و اولویت اول‌شان تئاتر نیست و با بودن در این حرفه، نه تنها به خودشان، بلکه به دیگران آسیب می‌زنند.

○ به نظر‌تان، برای رفع بحرانی که تئاتر امروز کشور به آن گرفتار است و در نمایش «پشت‌صحنه» نیز به بخش‌هایی از آن اشاره می‌شود، چه باید کرد؟

من خیلی امیدی به اصلاح‌شدن تئاتر و آینده‌اش ندارم. تئاتری که پُزش اینست که در چند دقیقه یا چند ساعت تمام بلیت‌هایش فروش رفته، تئاتری که فروش برایش همه‌چیز است، تئاتری که تبدیل به کاسبی شده و همه این‌ها منجر به این می‌شود که زپر و خواننده پاپ بیاید روی صحنه تئاتر یا بلاگر با لب و گونه پروتز شده بیاید روی صحنه. تا وقتی در سالن‌های تئاتر قفل ندارند و برای هر کسی آزاد و باز است و هر کسی می‌تواند پا روی صحنه بگذارد، تا وقتی تئاتر این پرسش و پاسخ را مطرح نکند که تو کی هستی؟ چی هستی؟ چی خواندی؟ هدف و دغدغه‌ات از تئاتر چیست؟ و به جای این سوال‌ها، بپرسد چند تا فالوئر داری؟، به نظرم چیزی حل نخواهد شد. روزگاری تئاتر یک تفکر بود، پیام و هشدار بود، اندیشیدن بود، تأمل برانگیز بود. تا زمانی که هدف، فروش است، تئاتر چیزی جز یک کالای مصرفی نخواهد بود.

در نمایش «پشت‌صحنه» به نویسندگی آیت نتاج، کارگردانی حسین کشفی‌اصل و تهیه‌کنندگی مهتاب باجلان که این‌روزها در تماشاخانه هیلج اجرا می‌شود، ترکیبی از بازیگران جوان و تازه‌کار و هنرمندان حرفه‌ای و باتجربه ایفای نقش می‌کنند. «میکائیل ضیائی فرد» یکی از بازیگران خوش‌آتیه در این نمایش است. او که متولد ۱۳۷۸ است، فعالیت در تئاتر را از سال ۱۳۹۸ و با شاگردی کیومرث مرادی شروع کرد اما در دانشگاه، سراغ رشته کارگردانی سینما رفت و شهر یورماه امسال در مقطع کارشناسی ارشد رشته سینما فارغ‌التحصیل شد. فیلم کوتاه «بازیگر نمایشی» (۱۴۰۳) به نویسندگی و کارگردانی خودش از تجربه‌های او در مدیوم تصویر است که در دو جشنواره خارجی آمریکایی و کانادایی نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم کوتاه شد و اکنون در پلتفرم «هاشور»، در دسترس و قابل تماشا است. گرچه ضیائی فرد برای کارگردانی به مدیوم فیلم علاقه‌مند است اما دغدغه اصلی خود را بازیگری می‌داند. این بازیگر همچنین در دو سریال «کلینیک رویا» (سجاد مهرگان) و «موسی کلیم‌الله» (ابراهیم حاتمی‌کیا) تجربه بازی داشته است. از سوابق بازیگری او در تئاتر می‌توان به آثاری مانند «شانس در می‌زند»، «دوباره اون آهنگو بزنی سم»، «ما هیچ، ما نگاه»، «آنتیگونه در حوالی اکنون»، «دست‌نوشته‌های گمشده‌ی اشکان اتابکی»، «الاولیاتان»، «خودکامه‌های کوچک»، «هفت‌خان اسفندیار» و نمایش نامه‌خوانی «سلسله دروغ» اشاره کرد. با میکائیل ضیائی فرد به گفت‌وگو نشستیم.

احمد رضا حجاززاده
گفت‌وگو



○ نحوه همکاری و همراهی شما با کارگردان و سایر بازیگران در پروسه تمرین‌ها چگونه بود؟

این چهارمین بار است که در اجرای یک تئاتر، نام من کنار نام حسین کشفی‌اصل قرار می‌گیرد. اولین بار برمی‌گردد به سال ۱۴۰۴ که با هم در نمایش الاولیاتان به نویسندگی و کارگردانی محمد میرعلی اکبری هم‌بازی شدیم. دومین و سومین بار برای دو دوره اجرای نمایش نامه‌خوانی «سلسله دروغ» بود که ایشان در قامت کارگردان کنارم حضور داشتند و چهارمین بار هم نمایش «پشت‌صحنه»، همکاری با کشفی‌اصل چه در موقعیت «بازیگر-بازیگر» و چه در موقعیت «بازیگر-کارگردان»، برایم لذتبخش است، چون خیالم راحت است. چون در هر دو موقعیت می‌توانم خودم را به او بسپارم و از خروجی درست مطمئن باشم. هفت بازیگر این نمایش از بچه‌های کارگاه بازیگری حسین کشفی‌اصل و از شاگردان او هستند؛ بازیگرانی مستعد، شیرین، خوش‌انرژی، بی‌نقاب و بی‌آدا اطوار که این سومین همکاری من با آن‌هاست و واقعاً از بودن در کنارشان لذت می‌برم اما دو بازیگر دیگر نمایش به دلایلی تغییر کردند و نقش مینا و شایان را مهتاب باجلان و محسن میرزاخانی بر عهده گرفتند که از بازیگران حرفه‌ای و باسابقه تئاتر هستند. این دومین بار است که با محسن میرزاخانی هم‌بازی می‌شوم. اولین همکاری ما در نمایش «الاولیاتان» رقم خورد.



○ وقتی بازی در نقش «بهرام» به شما پیشنهاد شد، اولین برداشت‌تان از نمایش‌نامه و این شخصیت چه بود؟

خب نقش «بهرام» را آیت نتاج برای حسین کشفی‌اصل نوشته بود اما آقای کشفی‌اصل معتقد است تا جایی که بتواند و بشود، نباید در کارهای خودش بازی کند. به همین دلیل ایشان با من تماس گرفت و یک قرار حضوری گذاشتیم و درباره نقش بهرام صحبت کردیم. وقتی نقش را برایم تعریف کرد، ابتدا ترسیدم. بهرام نمایش «پشت‌صحنه»، یک شخصیت منفی است که همه بدجنسی‌ها، بددهنی‌ها، زیر و رو کشیدن‌ها و تحقیر کردن‌هایش از سر زخم‌ها و رنجش‌هایش می‌آید؛ زخم‌ها و رنجش‌هایی که در متن اشاره‌ای به آن‌ها نشده اما مطمئنم وجود دارند. چون هیچ انسانی از ابتدا «بد» نیست و معتقدم این رنجش‌ها هستند که می‌توانند الگوی رفتاری و روانی انسان را دست‌خوش تغییرات خطرناکی بکنند. من از پیشنهاد این نقش ترسیدم، چون من هم صاحب زخم‌ها و رنجش‌هایی هستم و همیشه بهرام درونم را سرکوب کرده بودم تا مبادا بر شخصیت اصلی‌ام چیره شود اما نمایش «پشت‌صحنه» اجازه داد تا این شخصیت را برون‌ریزی کنم. من کلمه به کلمه‌ای را که روی صحنه از دهانم و از زبان بهرام خارج می‌شود درک می‌کنم. اصولاً تا دیالوگ یا موقعیتی را درک نکنم و نفهمم چرا این کار را انجام می‌دهم یا چرا این دیالوگ را می‌گویم، نمی‌توانم بازی‌اش کنم.

